

## نحوه های مختلف شروع کلاس توسط مربی

مرحله اول: شروعها

۱ شروع فقط با نام خدا

۲ شروع با پرسشها بعد از نام خدا

۳ شروع با نکات اخلاقی بعد از نام خدا

۴ شروع با تشبیهات بعد از نام خدا

۵ بخوانی سوره

۶ سلام و احوالپرسی

۷ بیان نعمتها و پیام اعضا بعد از نام خدا

۸ شعر

## شروعها

جز برای برخی مجریان و اجراها که نیازی به بیان مطالبی به عنوان شروع نیست، اغلب باید مربی مطالبی را به عنوان شروع و مدخل کلاس بیاورد تا کودکان و نوجوانان هم به موضوع، هم به سخنران و هم به اهمیت بحث توجه پیدا کنند. شروع از نظر تناسب با کویند، موضوع، جلسه و مخاطبان باید تنظیم و اجراء شود. آنچه خوب است در شروع رعایت شود عبارتند از:

۱/ تناسب با مقتضای حال و موقعیت کلاس باشد؛ مثلاً اگر جلسه قرآن است، شروع آن هم یکی از مکات قرآنی باشد.

۲/ طبیعی و دور از تضییع باشد.

۳/ در صورتی که فراگیران از سن کمتری برخوردارند، مکات ارائه شده در شروع کاملاً محسوس و قابل تصور باشد.

۴/ شروع، طولانی و ملال آور نباشد. به قول امام علی علیه السلام «آفة الکلام اللطالة؛ آفت سخن، طولانی کردن

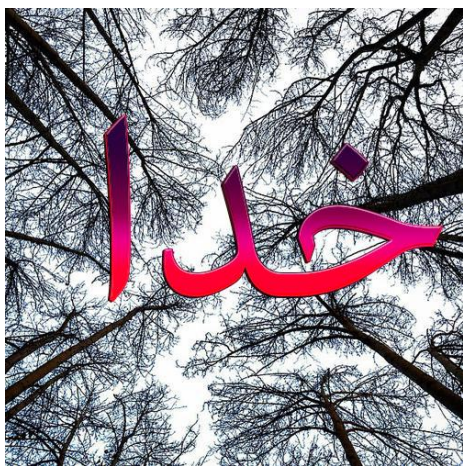
آن است».

۵/ مرتبط به بحث باشد.

۶٫ عدد صورتی که مخاطبان جوانان هستند، آرام، سکین و باوقار شروع شود و اگر کودکان بودند بسیار شاد و جذاب باشد.

۷٫ در شروع مضمون خودداری از دادن وعده های غیر عملی و لافهای کزاف، از خود ستایی یا اظهار ناتوانی و عجز پرهیز شود.

۸٫ تهیه و تنظیم شروعها که پنجره ای به روی مباحث اصلی در مرحله دوم به بعد می باشد، پس از تکمیل مواد اصلی در مرحله دوم انجام شود تا بهتر بتوان مطالب مرتبط به اصل موضوع را در شروع بیان کرد.



اینک به توضیح مختصری درباره هر یک از شروعهای پردازیم.

### الف. شروع با نام خدا

گرچه همه کارها را با نام خدا آغاز می کنیم و شروع با نام خدا تقسیم شروعهای دیگر نیست، اما به لحاظ وجود تنوع و امکان بیانهای مختلف در آغاز با نام خدا، آن را به عنوان یکی از شروعها مطرح کرده ایم تا به تناسب جلد در ابتدای شروعهای دیگر و یا بدون آنها از آن بهره گرفته شود.

روش ساده و کاملاً سکین و متین این است که برنامه را با «بسم الله الرحمن الرحيم» شروع کرده و بلافاصله وارد اصل موضوع شویم. این روش در شرایط زیر مفیدتر است:

۱/ ایام سوگواری یکی از ائمه علمیه السلام باشد.

۲/ فرصت کافی و به اندازه برای پیچ کوزه شروع دیگری نباشد.

۳/ سخن‌طین ماخواهران یا برادران دبیرستانی باشند.

۴/ اولین برنامه مادر این مکان باشد.

۵/ از فرهنگ، روش و سنتهای اجتماعی آن محیط اطلاعی نداشته باشیم.

۶/ در بین نوجوانان و جوانان حضور بزرگسالان در اکثریت باشد.

۷/ تکرار شیوه‌ها و روشهای متنوع، دلزدگی ایجاد کرده باشد.

۸/ امکان استفاده از تخته یا وایت برد وجود داشته باشد.

۹ مدتی است برای کودکان، نوجوانان و جوانان برنامه نداشته ایم و به هر دلیل امکان استفاده از پیج شیوه دیگری برامان فراهم نیست.

## شکلهای مختلف شروع با نام خدا

می توانیم شروع را با یکی از موارد ذیل انجام دهیم:

۱. بسم الله الرحمن الرحيم

۲. به نام خداوند مهربان، حافظ و دوستدار کودکان

۳. به نام خدائی که هر کجا باشیم با ما است.

۴. به نام آن که گل را رنگ و بوداد و شبنم لاله را آبروداد

۵. ای نام تو بهترین سرآغاز بی نام تو نامه کی کنم باز

۶. به نام آن که هستی را رقم زد نشان خویش بر لوح و قلم زد

۷. به نام خداوند جان آفرین حکیم سخن در زبان آفرین

۸. به نام آن که باشد مهربانتر برای ما زیبا و زما



## ب. شروع با پرسشها

یکی از بهترین روشها برای استفاده به موقع از توان فکری و اندوخته های علمی،

استفاده از شیوه سوال و جواب است. هرگاه بر جمعی وارد شدید و به هر علتی ترتیب اندوخته های شما به هم خورده بود، بهترین

شیوه برای شروع، استفاده از پرسشها است. سوالها باید به گونه ای باشد که اگر به شما جواب هم ندادند خود سوال بارترینی یا

علمی داشته و بدون پیام نباشد. این شیوه جهت شروع غالباً در صورتی مفید است که:

۱. موضوع جلسه پرسش و پاسخ باشد.

۲. سخنایین با جوانان دبیرستانی یاد انگاهای باشند.

۳. با این شروع نخواهیم حدود سطح معلومات و دانش آنها را در موضوع مورد سوال مشخص کنیم.

۴. توان جواب کوئی به سوالی که اچیاناهمهرا به بعضی از جوابها مطرح می شود، برای مرئی وجود داشته باشد.

۱۵ امکان کنترل جلسه بعد از طرح سؤال برای مربی وجود داشته باشد.

۱۶ اگر هیچ کدام از مخاطبین جواب ندادند، برای مربی استعداد ادامه برنامه ای جذاب وجود داشته باشد.

۱۷ اطلاع کافی در مورد مطرح نبودن چنین سؤالی در این مکان وجود داشته باشد. (در غیر این صورت تا سؤال کردیم فوراً

یکی جواب می دهد. اشکال کار این جاست که به جای این که مخاطبین در پایان جلسه به ما بگویند: «احسنت»، ما ناچاریم همان

اول برنامه به مخاطب بگوییم: «احسنت» و این یعنی یک شروع ناموفق.)

۱۸ اگر مخاطبین ماعده ای خواهر و بقیه برادران بودند، از این شیوه برای شروع جدا خودداری کنیم.

نمونه ها

۱ اگر در موقعیت گناه قرار گرفتید چگونه خود را راضی می کنید که گناه نکنید؟

۲ در ساعت دقت کنید. از حرکت عقربه های آن، چه نتیجه ای می گیرید؟

۳ اگر روز قیامت یکی از شهدا از ما سؤال کند که تو برای برقرار ماندن دین خدا چه کردی، چه جواب می دهیم؟

۴ اگر شخصی را می شناسید که به وسیله دوستان و اشخاص ناباب منحرف شده است چه می کنید؟

۱۵/ اگر کسی پشت سر شما یاد حضورتان از شما بد بگوید چه می‌کنید؟

۱۶/ اگر قرار باشد ویژگی‌های شخصیتی خود را بیان کنید چه می‌نویسید؟

۱۷/ اگر برای اولین بار جلوی دوربین صدا و سیما قرار بگیرید چه پیامی برای مردم دارید؟

۱۸/ اگر شایک نویسنده بودید، اولین کتابی که می‌نوشتید در چه زمینه‌ای بود؟

۱۹/ در برابر عمل ناشایست یک انسان نادان چگونه باید عمل کرد؟

۱۱۰/ اگر دوست شما خطایی انجام دهد، شما چگونه او را از اشتباهش آگاه می‌کنید؟

۱۱۱/ آنگاه که به زمان جنگ با دشمن می‌اندیشید، عامل اصلی پیروزی مردم را در چه می‌بینید؟

۱۱۲/ اگر در بین گروهی قرار گرفتید که هیچ کدام به مسائل دینی اهمیت نمی‌دهند چه می‌کنید؟

۱۱۳/ اگر یک دعای مستجاب داشته باشید از خدا چه می‌خواهید؟

۱۱۴/ اگر تنها می‌توانید یک بیان قرار بگیرید چه می‌کنید؟





۱۵ هدف شاد زندگی چیست و نوع برنامه ریزی شما چگونه است؟

## ج. شروع با نکات اخلاقی

بیان نکات زیبا و دلنشین اخلاقی در کلاسها و مجالسی که حضور کودکان و

نوجوانان در اقلیت بوده و حضور بزرگسالان در اکثریت است، بهترین شروع برای جمع بین این دو گروه است، به

طوری که کودکان و نوجوانان می فهمند و جوانان و بزرگسالان می پسندند.

در این قسمت بایان یک نکته اخلاقی کلاس را شروع می کنیم. این نوع شروع در موارد زیر مفیدتر است:

۱ فرصت خیلی کم بوده و می خواهیم نتیجه فوری بگیریم.

۲ پیشنهاد نموده اند که قبل از برنامه تخصصی بایان نکات سنگین علمی، یک نکته بیان شود تا همه استفاده کنند.

۳ وقت و فرصت هست ولی هوامناسب نیست؛ زیاد سرد است یا زیاد گرم.

۴ دانش آموزان در موقعیتی نیستند که بیشتر از پنج دقیقه توان گوش دادن به برنامه را داشته باشند. مثلاً در برنامه صبحگاهی روی پایستاده اند و یا خود را برای امر مهمتری آماده کرده و حوصله سخن شنیدن ندارند مثل این که سخنانی دیگر امتحان داشته، یا برنامه دعای تلاوت قرآن دارند.

۵ هر لحظه احتمال دهیم که این فرصت از دست ما گرفته شود؛ مثل این که بجای منظر اتوبوس در اردو، مستقیم و نهایتاً گفته می شود که برای رفع محسنتی یک نکته بفرمایید.

۶ عجب باشد در کلاس ما نکات اعتقادی و اخلاقی یا سیره علی ائمه علمیم السلام تدریس شود.

### نمونه ها

۱ ابن عباس نقل می کند که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله سوار بر مرکبی از راه می گذشت، مرا که کودک بودم دید به اطرافیان فرمود: «این غلام را ببردیف من سوار کنید.» وقتی سوار شدم پیامبر صلی الله علیه و آله در حالی که دست خود را به پشت من گذاشته بود فرمود: «یا غلام خف الله یلکفیک»؛  
پسرکم از خدا ترس [که ترس از خدا] تو را کافی است.»

۲ برای این که اگر در موقعیت گناه قرار گرفتیم بتوانیم خود را حفظ کنیم، شناخت دو عامل کافی است:

عامل اول شناخت گناه: گناه تیر زهر آلود شیطان است. در روایت داریم که: «الظُّهُورُ سَهْمٌ وَرَسْمٌ مَسْمُومٌ مِنْ سَهَامِ ابْلِيسَ»؛  
مگه [آلوده] تیری زهر آگین از تیرهای شیطان است. «آیا هیچ انسان عاقلی خود را در معرض تیرهای زهر آلود و کشنده قرار

می دهد؟

عامل دوم شناخت خدا: خداوند را این گونه بشناسیم که «هو معلمنا کنتم»؛ «هر کجا باشید خدا با شماست.»، «لن الله معنا»

؛ «خدا با ما است.»، «لن الله معکم»؛ «خدا با شماست.»، «لم یعلم بطن الله یرى»؛ «آیا نمی داند که خداوند می بیند؟»

وقتی دعوت حضرت نوح علیه السلام از طرف مردم پذیرفته نشد و اراده خداوند بر این تعلق گرفت که قوم نوح را عذاب

کند، به او فرمود: «واصنع العُلک بِلَعیننا»؛ «[ای نوح!] در مقابل دیدگان ماکشی بساز.» یعنی اگر مردم تو را به خاطر

ساختن کشتی مسخره می کنند غصه نخور؛ چون در مقابل دیدگان علم ماکار می کنی و ما تو را می بینیم.

۳ امام صادق علیه السلام خبر دادند که فلانی به شامش داده است. امام برخواست، وضو گرفتند، دو رکعت نماز خواندند و

فرمودند: خدایا من از او گذشتم. تو رحیم تر هستی، تو هم از او بگذر.

امام صادق علیه السلام در مسجد الحرام در حال طواف کعبه بودند. یکی از حاجی‌های امام صادق علیه السلام را محکم گرفت و گفت: کیسه پول من کم شده و ۱۰۰۰ دینار در آن پول بوده و شارب داشته‌ای. هر چه امام با او صحبت کرد که: شاید کسی دیگر برداشته، شاید در خانه جا گذاشته‌ای و شاید اشتباه می‌کنی، فایده‌ای نداشت. حضرت فرمودند: حالا که فکر می‌کنی من برداشته‌ام، دنبال من بیا. او را به منزل برد و یک کیسه ۱۰۰۰ دینار گذاشت و به او تحویل داد. آن شخص همین که وارد منزل خود شد، کیسه پولش را در خانه یافت. فوراً خدمت امام صادق علیه السلام آمد، عذر خواهی کرد، کیسه پول را پس داد و گفت: من اشتباه کرده‌ام. حضرت خطاب به او فرمودند: «ما اهل بیت اگر چیزی را به کسی دادیم دیگر از او پس نمی‌گیریم.»

## تشبیه

### دشروع با تشبیهات

یکی از ظریف‌ترین و در عین حال اثرگذارترین شروع‌ها، استفاده از تشبیهات است. به تجربه ثابت شده است که القاء غیر مستقیم بهتر و زودتر اثر می‌گذارد. این هنر سابقه طولانی دارد و در طول تاریخ، اهل ذوق و هنر از این روش برای بیان بهتر مطالب استفاده کرده‌اند.

اگر چیزی برای کسی ارزش شد اگر چه خلاف ارزش باشد به راحتی نمی شود او را ادا کرد تا دست از ارزشش بردارد.  
در این شیوه خوب و بد، و ارزش و ضد ارزش توسط مربی کنار هم گذاشته می شود و حق انتخاب و قضاوت به عمده خود مخاطب  
است؛ نه این که مربی حکم کند که این کار را به عنوان یک ارزش بپذیر و یا به عنوان ضد ارزش ترک کن.  
در القاء غیر مستقیم آنچه کمک زیادی به مریدان عزیز می کند تشبیهات است. این شیوه جهت شروع غالباً در صورتی مفید  
است که:

۱/ مربی با تمرینات و مطالعه تشبیهات توان بکارگیری به موقع تشبیهات را در خود ایجاد کرده باشد.

۲/ کاملاً موضوع درس با شروع آن مشابهت و مناسبت داشته باشد.

۳/ مربی اطلاعات کافی و فراوانی نداشته و در القاء مطالب علمی، خود را ضعیف بداند.

۴/ مخاطبین افرادی باشند که به هر دلیل از مذهب و دلیلهای

قرآنی و روایی فاصله گرفته و با اصول اعتقادی خود میانه خوبی نداشته باشند.

۵/ الگوهای مخاطبین و فضای کلاس متمایل به الگوهای غیر سنتی و علاقمند به الگوهای غربی شده باشد.

۶ متریان ماغیر کودکان باشند و موضوع مورد تشبیه و درس، از مسائل و مشکلات روز و فعلی آنها باشد.

نمونه ۱

۱ حجاب، حافظ ارزشها

برای القاء این مطلب که «حجاب حافظ ارزشهاست»، از این تشبیه‌ها می‌توان استفاده کرد:

الف) تا زمانی که سرشیشه عطر بسته است عطر داخل آن هم محفوظ خواهد بود، ولی به محض این که چند ساعتی سرشیشه عطر برداشته شود عطر داخل آن می‌پرد و تنهاشیشه خالی بدون عطر می‌ماند که کسی بداند میلی ندارد. حجاب همانند سرشیشه عطر است که بوی خوش و زیبایی و حلاوت و طراوت خواهرها را حفظ می‌کند و با برداشتن حجاب، آن زیبایی و حلاوت از بین می‌رود. رمز زیبایی خواهران مسلمان هم همین حجاب است [۱]. [۲]

ب) هر چه ارزشش بیشتر باشد نگهداری و حفظ آن، بیشتر دقت می‌شود. سلغم را که ارزش ندارد روی گاری می‌فروشند و

قیمت آن دو تاده تومان است، اما طلا را چون ارزش دارد در حجاب

و پوشش و جبهه قرار می‌دهند.

## ۲ / حجاب، عامل آسودگی

برای تبیین این نکته که حجاب عامل آسودگی و راحتی است نه موجب مشقت، می توان از تشبیه زیر استفاده کرد:

چرا به دور خانه یاتان دیوار می کشید؟ اگر در بهای خانه تان چوبی باشد چرا آنها را آهنی می کنید و اگر دیوارها کوتاه باشد چرا بلند می

کنید؟ آیا این همه برای راحتی شماست یا برای ناراحتی؟ حجاب همچون دیوار خانه و مانند درب آهنین است. حال اگر دیوار

خانه یاتان بلند بود و کوتاه کردید، یا درب، بسته بود و باز کردید، آیا این موجب راحتی، آرامش و آسایش شما خواهد بود یا موجب

ناآرامی؟ همان طور که در بها، دیوارها و... برای راحتی اهل خانه ها است، حجاب هم برای راحتی و آسودگی بانوان است.

اگر اسلام برای زن حجاب آورده برای راحتی و آسودگی او است، نه برای مشقت او. مشقت در بی و بدجایی

است.

## ۳ / انسان و انتخاب راه

برای تبیین اختیار انسان در انتخاب آگامه راه سعادت یا شقاوت، می توان از تشبیه زیر استفاده کرد:

مواد اولیه آفتابه های پلاستیکی و مواد اولیه گل های پلاستیکی هر دو یکی است. این مواد را در اختیار دو نفر می گذارید. یکی با آنها گل می سازد. جایش کجاست؟ بهترین جای مجلس و منزل. و یکی با آنها آفتابه دست می کند. جایش کجاست؟ بدترین جای منزل. انسانها مواد اولیه وجودشان یکی است. یکی در این دنیا از مواد اولیه وجود خودش گل می سازد و امام خمینی قدس سره می شود. یکی دیگر از همین مواد اولیه صدام می سازد. قرآن کریم می فرماید: انسان در انتخاب راه آزاد است. « انما ینهاه السیئ را تا ساکر او تا کفورا. » اما این را هم باید بدانیم که از وجود خودمان هر آنچه ساختیم، با دست خودمان جایگاه خود را در این دنیا و آخرت انتخاب کرده ایم.

## ه. شروع با، بخوانی سوره



بهترین وسیله برای ایجاد آرامش روحی در کودکان و نوجوانان، بخوانی آیه یا سوره ای

کوتاه از قرآن کریم با صدای بلند است. بلند خواندن باعث صفای دل و زدوده شدن ناراحتیها می شود. از پیامبر بزرگ اسلام صلی الله علیه و آله سؤال کردند: یا رسول الله! چرا بهتر است صلوات را بلند بفرستیم؟ حضرت فرمودند: هرگاه دسته ای از مسلمانان شعار و جمله ای را با هم با صدای بلند ادا کنند، در آن لحظه از توجه به خود خارج شده، و اگر ناراحتی یا کدورت و



حسادتی از یکدیگر داشته باشند، در آن لحظه فراموش می‌کنند و هر چه صدای این شعار بلندتر باشد، صفا و محبت و وحدت در دلها بیشتر می‌شود.

روش شروع با بهخوانی آیه یا سوره ای کوتاه از قرآن در هر حال خوب است، ولی در موارد زیر مفیدتر است:

۱/ کلاس حالت آشفته ای دارد و قبل از شروع برنامه، سرو صدای زیاد است و حاضران صحبت می‌کنند.

۲/ موضوع کلاس جنبه قرآنی دارد. (مانند: قرأت، تجوید، توضیح و تفسیر یا علوم و معارف قرآنی)

۳/ اجراء کلاس در مسجد یا محل مقدس دیگری است.

۴/ کلاس یا اجراء یا با صبحگاه همراه است.

۵/ خود مجری و مربی از صوتی دلنشین برخوردار است. در این صورت بهتر است مربی به صورت تکخوان بخواند و

تکخوان تکرار کنند؟

۶/ کلاس برای خواهران است و عنایت دارند که با قرآن شروع شود.

نمونه ها

ر ا بعد از خواندن سوره والعصر، فرمول آن را در یک جمله کوتاه روی تخته می نویسیم و یا شانه‌هایمان می‌کنیم. فرمول سوره

والعصر چنین است:

ایمان + عمل صالح + سفارش به حق + سفارش و توصیه به صبر = سعادت

ر ۲ با ضبط صوت و نوار سه بار تکرار، سوره ای کوتاه را به صورت ترتیل با هم بخوانند و مربی نکته‌ها و پیامهای آن را بیان کند.



سلام به همه

**و شروع با سلام و احوالپرسی**

یکی از مؤثرترین و در دسترس‌ترین ابزارهای ارتباط با قشر کودک، نوجوان و

جوان، روش احوالپرسی فردی یا گروهی است. اگر این شیوه به صورت

مطلوب اجرا شود از کارایی بالایی برخوردار است و بهترین روش برای شروع و خوش درخشیدن مربی در ذهن کودکان و

نوجوانان می‌باشد.

انواع و اقسام احوالپرسی و سلام بستگی به روحیات مختلف و متفاوت مربیان (روحانی یا غیر روحانی، خواهر یا برادر) دارد که

هر کس با هنرذاتی که خداوند در وجود او به ودیعه گذاشته است، از این روش شروع استفاده می‌کند.

این نوع شروع در صورتی مفید است که:

۱/ اولین کلاس یا جلسه مربی در این مکان و با این گروه باشد.

۲/ مدتی از جلسات قبل گذشته باشد.

۳/ از مربی خواسته باشند خود را معرفی کند و کمی درباره روحیات و روش کاری خود توضیح دهد.

۴/ سن مخاطبین کم بوده و در بین آنها حضور بزرگسالان در اقلیت باشد. در غیر این صورت بعد از کسب اجازه از بزرگترینها،



با کودکان احوالپرسی می‌کنیم.

**از شروع بایان نعمتها و پیام اعضا**

در این نوع از شروع، کلاس را بایان نعمتهای «محسوس»

و قابل دسترس و دید شروع می‌کنیم. این روش غالباً در صورتی مفید است که:

۱/ سن مخاطبین کم و تعداد آنها خیلی زیاد باشد.

۲/ تخته و سایر ابزارهای کمک آموزشی وجود نداشته باشد.

۳ فضای اجرایی برنامه باز باشد.

۴ توان استفاده از آنچه به عنوان نعمت در دسترس مری است، وجود داشته باشد مثل گلدان، هوا، آب، نور و...

۵ امکان بردن یکی از نعمتهای الهی به سرکلاس و صحبت کردن

در مورد آن وجود داشته باشد.

۶ امکان دیدن و رسیدن صدابه همه وجود داشته باشد.

۷ موضوع کلاس بیان حقوق اعضا و پیام اعضا بدن باشد. (آنگونه که امام سجاد علیه السلام در رساله حقوق فرموده اند؛

مانند: حقوق قلب، چشم، دست و...) ...

نمونه ها

انعمت چشم

اگر ساختمانی را فرض کنیم که تمامی شخصیت‌های سیاسی دنیا در آن جمع شده اند، جهت محافظت از آنها در قسمت‌های مختلف این

ساختمان، اعم از داخل سالنهای ساختمان، درب ورودی ساختمان، پشت پنجره ها و درهای روی پشت بام، محافظ می

گذارد و آسمان منطبقه ای که این ساختمان در آن واقع شده توسط هواپیما محافظت می شود. چرا؟ چون این افراد بزرگترین شخصیت‌های کشورهای جهان بوده و آدم‌های مهمی هستند.

چشم انسان هم مهم است، از این رو خداوند برای آن محافظ‌های متعددی قرار داده است.

الف: محافظ داخل ساختمان چشم؛ «اشک»، که توسط لوله فاضلابی دائماً اشک چشم در حال عوض شدن است.

ب: محافظ درب چشم؛ «مره‌ها»، که چشم را از گرد و غبار محافظت می‌کنند.

ج: محافظ پشت درب چشم؛ «پلک‌ها»، که چشم را از گرما و سرما محافظت می‌کنند.

د: محافظ روی پشت بام ساختمان چشم؛ «ابروها»، که عرق‌های پیشانی را به دو طرف صورت هدایت می‌کنند.

ه: «خطوط پیشانی»، که محافظان آسمان چشم می‌باشند و از داخل شدن عرق‌های سر که سموم دفع شده بدن هستند به داخل چشم جلوگیری می‌کنند.

به این نکته توجه کنید: اگر وارد خانه خود شدید و مشاهده نمودید که بسته‌ای کادو شده و روی آن نوشته شده: «تقدیم به شما.» اولین

سوالی که به ذهن می‌آید چیست؟ چرا؟

نقطه ای بکلی چشمهای خود را ببندید، این چشمان بسته شهادیه ای کادو شده از طرف خداوند است. حالا این کادو را باز کنید. به

نظر شمارش آن حذر است؟ به بزرگی همه دنیا. چرا؟ چون همه دنیا را با آن می بینیم.

به نظر شما مادر برابر خدایی که چنین نعمتی را به ما هدیه کرده چه وظیفه ای داریم؟

امام سجاد علیه السلام در رساله حقوق خود می فرماید:

«حق چشم تو این است که از هر آنچه بر تو روانست دیده فروبندی و آن را در مقامی پست فرو نیفتنی جز در آن هنگام که

توانی از چیزی عبرت اندوزی یادانش کسب کنی. به درستی که چشم در چه عبرت آموزی است.»

۲/ نعمت دهان و زبان

آیا می دانید اگر دهان نداشتیم چه می کردیم؟ چگونه با هم صحبت می کردیم؟ یک دقیقه با دهان بسته زندگی کنید. حالا اگر زبان

نداشتیم چه می کردیم؟ مزه غذاها و میوه ها را چگونه می چشیدیم؟ دستگاه خلقت آن را در نظر بگیرید. چگونه زیر دندان له نمی شود؟

تنها عضوی است که کمتر دچار درد و بیماری می شود. مادر برابر این نعمت بزرگ الهی چه وظیفه ای داریم؟

۳/ نعمت بدن

هر آنچه در اداره یک کشور وجود دارد، در کشور پهناور بدن ما نیز موجود است.

مغز انسان اداره اطلاعات، چشم و زبان اداره صدا و سیما، دستها و بازوان اداره کار و امور اجتماعی، سنگم اداره سیج اقتصادی،

پاها اداره راه و ترابری و انگشت شصت اداره آموزش و پرورش بدن است.

راستی می‌دانید که اگر همه انسانها این نعمت انگشت شصت را نداشتند نصف کارهایشان را به سختی انجام می‌دادند و نمی‌توانستند

کارها تعطیل می‌شد؟ اگر انگشت شصت نبود، بند کفش را به راحتی باز و بسته نمی‌کردیم، چوب کسرت را نمی‌توانستیم بگیریم،

جعبه کسرت به راحتی در دست ما نماند و داشته نمی‌شد و استفاده از قلم و کج برایمان مشکل بود. حالا شما بفرمایید ما در برابر این نعمت

بزرگ چه وظیفه‌ای داریم؟

### ح. شروع با خواندن شعر



مربیان محترم برای تکمیل موفقیت در راه رسیدن به هدف اصلی خود که قرب

الهی، رشد و کمال معنوی و جذب نونهالان و کودکان و نوجوانان مسلمان به اسلام و معارف اسلامی است، نیاز به ابزارهای

جذاب، گیرا و مناسب با فضای کودکان، نوجوانان و جوانان دارند.

شعر و سرود که وسیله است نه هدف یکی از عوامل و روشهای مؤثر در نشر معارف الهی و تعلیم و تربیت می باشد. دانشی کلام در شعر و جاذبه سگفت انگیز آن، دل و جان کودکان و نوجوانان را تسخیر می کند. در استفاده از شعر برای شروع حتماً باید برای هر قطعه شعری که خوانده می شود سوالی را قبل از آن طرح نمود تا بعد از قرائت شعر، مخاطبان به آن سوال پاسخ دهند.

خواندن شعر در شروع و عماد صورتی مفیدتر است که:

۱ در همان محظ اول احساس شود که ساگردان خسته هستند. در این صورت برای رفع محسکی آنها از شعر استفاده می شود.

۲ ساعت آخر یا بعد از دو یا سه کلاس مختلف، مخاطبین یک ساعت در اختیار ما هستند.

۳ می خواهیم هوش و استعداد مخاطبان را بسنجیم نه معلومات آنها را. (میزان معلومات را می توان با شروع از طریق پرسشها سنجید.)

۴ از برنامه های روحانی یا مربی قرآن و معارف یک حالت محسکی و بی روحی در ذهن مخاطبان نقش بسته باشد. (این اطلاعات را از مربیان آنها قبل از شروع کلاس به دست می آوریم.)

نمونه ها



۱۱ این سؤال قبل از خواندن شعر چندبار تکرار می شود: «در این شعر چندبار اسم گل و غنچه آمده است؟»

این سؤال هوشی است و مراد ما اسم گل و غنچه است که یک «گل یاس» و یک «غنچه» آمده است و حال آن که اکثر آنها فکر می کنند

کلمه گل رامی گویم. لذا ممکن است تا ۲ گل هم بگویند. این نمونه شعر برای نوجوانان و جوانان در سن راهنمایی و دبیرستان خوب است و جواب صحیح یک گل و یک غنچه می باشد.

گل زهرانی

• گل احمد گل خوشبوی زهر است به چشم دل فقط این غنچه زیباست

• همه گویند این گل به چو یاس است دم گوید که حرفی بی اساس است

• گل زهر اگل تنهای تنها سگل زهر از عالمهای بالاست

• گل زهر اگل کوشنشان اسگل زهر اگل هفت آسمان است

• گل زهرانشان از طور دارد به سینه عالمی از نور دارد

• گل زهرا گل الله سرشت اسگل زهرا گل باغ بهشت است

• گل زهرا گل سوزو که از اسگل زهرا گل عطر نماز است

• گل زهرا زاده کاشد لاسکر همه محجالش

• گل زهرا گل یثار وجود اسگل زهرا گل صورت کبود است

• گل زهرا گل زرد است و نیلینشان دارد ز سلاق و ز سیلی

• بسوزم از برایت ای گل زرد که زینب مانده بود و گریه می کرد

در صورتی که این شعر را قبلاً خوانده باشید و مخاطبان جواب را بدانند، می توانید میت زیر را به اول آن اضافه کنید که در این

صورت جواب سؤال شما، ۱۰۲ غنچه و یک گل یاس می شود.

• گل به گل چینم و تعریف کنم کوی تو را صد و یک غنچه چینم نهد بوی تو را

۲٫ قبل از خواندن شعر سؤال شود: «چند اصطلاح ورزشی در شعری که خواهیم خواند به کار برده شده است؟» یا بعد از

خواندن شعر سؤال می کنیم: «چند بار کلمه توپ در شعر آمده بود؟»

این شعریه نوجوانان دوره ابتدایی و راهنمایی و به خصوص پسرهاست.

• خواهی نخوری ز «تیم» ابلیس سگستاید به «دفاع» از دل و دیده نشست

• چون «شوت» شود به سوی دل «توپ» کناندر روزه» دل به روی آن باید بست

• بردامن گل دست تو سل نردیم از حرف به «میدان» گل «پل» نردیم

• افسوس که فرصت به تاسا بگذشت صد «کیم» تمام گشت ما «گل» نردیم

• بگذشت زمان و دست به کاری نردیم بر کردن لحظه ما هماری نردیم

• صد «توپ» زدی تمام را کردی «اوت» صد «پاس» گرفته «آبشاری» نردیم